

# واکنش گروه طالبان و آینده جنگ و صلح در افغانستان

سرمقاله

## سراب صلح و واقعیت جنگ

رحیم حمیدی

شنبه، آغازین روز این هفته در افغانستان خوین بود. صبح روز گذشته انفجار انتحاری در شهر اسعدآباد، مرکز ولایت کنر، ۱۴ کشته و بیش از ۴۰ زخمی بجا گذاشته است و بعد از ظهر همین روز حمله انتحاری دیگری در کابل، ۱۲ کشته و نه زخمی بر جای گذاشت. این رقم کشتار غیر نظامیان و افراد ملکی برای افغانستان یک آمار معمولی است که هر روزه در هر گوشه و کنار این سرزمین به دست گروه های تروریستی کشته و زخمی می شوند و از آنها خانواده های بی سرپرست، یتیم ها و زندگی های بر باد رفته می ماند.

اما در همین حالی که حملات طالبان از یک سو به صورت منظم در شماری از ولایات کشور به شدت ادامه دارد، و از سوی دیگر عقب نشینی های مشسکوک (به تعبیر مقامات وزارت دفاع ملی «تاکتیکی») زمینه پیشروی و استقرار طالبان را در کشور بیشتر می سازد، در عین حال، تلاش ها برای گفتگوهای صلح با طالبان نیز جریان دارد.

خوشبینی ها از گفتگوهای چهار جانبه با تکیه بر این نظریه که چین، ایالات متحده آمریکا و پاکستان می توانند گروه طالبان را وادار به نشست بر میز مذاکره کنند، با سومین دور مذاکرات چهار جانبه در کابل در هفته گذشته به اوج خود رسید. اما این تلاش ها نیز راه به جایی نخواهد برد. به نظر کارشناسان و آگاهان مسایل افغانستان، تغییری در رویکرد پاکستان و آمریکا به چشم نمی خورد. ایالات متحده آمریکا، در سیزده سال گذشته نه جنگی آنچنانی کرده اند که طالبان را منکوب و نابود کنند و نه راه را برای طالبان و گروه های دیگر تندرو باز گذاشته اند که آنان با خاطری آسوده به حیات خود ادامه دهند.

پاکستان نیز در موضع گیری های رسمی خود همواره منکر هر نوع حمایت از طالبان بوده و هیچ گاه به هواداری از طالبان اقرار کرده است. گاهی افغانستان را به حمایت از نامنی ها در کشور خود می داند و گاهی مدعی دوستی دوامدار دو کشور می شود. روابط این دو کشور بیشتر از آن فراز و فرود داشته و دارد که بتوان بر اظهار نظرها رسمی مقامات عالی رتبه این دو کشور اعتماد نمود و حساب باز کرد.

چین در دولت جدید، نقش مهمی در مسایل افغانستان یافته است. در این دولت، شاید اکثریت سیاستمداران کشور به چین سفر کرده اند و از این کشور درخواست کمک و همکاری نموده اند. اینکه چین، چگونه می تواند در مسایل افغانستان، واقعا موثر واقع شود و می تواند در باز نمودن گره کور صلح در افغانستان نقش داشته باشد، تا هنوز چندان مشخص نیست.

اینها نشان می دهد که افغانستان برای صلح بسیار تلاش می کند و از هر راهی کمک می گیرد تا به صلح برسد. اما برای جنگ، وضعیت فرق می کند. وزارت دفاع که مسئولیت مستقیم جنگ با تروریست های داخلی و خارجی را دارد، توسط یک سرپرست اداره می شود که به پارلمان معرفی شده و رای تایید نیاروده است و از جمله کسانی است که نشان واضحی از اختلافات پارلمان و حکومت است. ریاست امنیت ملی نیز با سرپرست اداره می شود و باید تا شروع کار پارلمان منتظر بود تا حکومت کاندیدی به پارلمان معرفی کند و او نیز رای تایید بگیرد. وضعیت وزارت داخله نیز بهتر از آن دو نیست.

سراب صلح، دولت افغانستان را از توجه به چشمه واقیعات کشور بی نصیب گذاشته است. حقیقت این است که از تمام امکانات برای جنگ با طالبان و القاعده و داعش کار گرفته نمی شود، تا امنیت و ثبات در کشور حکم روا شود. حقیقت این است که اگر آن همه پول که برای رسیدن به صلح مصرف شده بود، برای تأمین امنیت شهروندان کشور و عاری ساختن ادارات امنیتی از فساد به مصرف می رسید، مطمئنا وضعیت امنیتی کشور تغییر مثبتی را شاهد بود.

سه شنبه قبلی، چهارمین دور نشست چهار جانبه میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین در کابل برگزار شد. در این نشست، اول مارچ به عنوان زمان برگزاری گفتگوهای مستقیم میان حکومت افغانستان و گروه طالبان اعلان شد. بعد از این نشست، وزارت خارجه پاکستان اعلان نمود که از تمام شاخه های گروه طالبان دعوت نموده تا نماینده های با صلاحیت خود را برای شرکت در نخستین دور گفتگو های مستقیم با حکومت افغانستان ریاست جمهوری افغانستان نیز با نشر اعلامیه ای از گروه طالبان و دیگر گروه های مسلح خواست تا جنگ و خشونت را ترک کرده، کشتار مردم بیگناه را متوقف سازند، به ویرانی کشور مبادرت نوزند و به گفتگوهای مستقیم صلح که قرار است در اول مارچ در شهر اسلام آباد برگزار شود، بپیوندد. گروه طالبان تا هنوز واکنش نشان نداده است. اما تعیم وردگ یکی از اعضای دفتر سیاسی گروه طالبان در قطر گفته است که آنچه در کابل می گذرد بی خبر است. تنها حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار از دعوت حکومت افغانستان و پاکستان استقبال نموده است.

با وجود اینکه از گروه طالبان دعوت شده است تا به پروسه صلح بپیوندند و نماینده های با صلاحیت خود را به گفتگو مستقیم با حکومت افغانستان به اسلام آباد بفرستند اما، این گروه حملات را سازماندهی نموده است. دیروز، در حمله انتحاری در مقابل وزارت دفاع که مسئولیت آن را گروه طالبان به عهده گرفت نه نفر کشته و سیزده نفر زخمی بر جای گذاشت. در حمله انتحاری که در ولایت کنر اتفاق افتاد چهارده کشته و چهل زخمی بر جای گذاشت.

بعد از پایان چهارمین نشست چهار جانبه در کابل درگیری و جنگ شدید میان نیروهای امنیتی با گروه طالبان در ولایت فراه اتفاق افتاد. در عین حال، در عملیات نیروهای امنیتی کشور در ولایت هلمند ۲۵ تن از غیر نظامیان گریوگان گرفته شده نیز از نزد گروه طالبان آزاد شدند. همه رویداد

تا چند دهه قبل عقیده اکثر قریب به اتفاق صاحب نظران بر این بود که توسعه دارای مفهومی است اقتصادی. به عبارت دیگر توسعه صرفا جنبه اقتصادی داشت و کشورها در جهت دستیابی به توسعه، به تقویت اقتصاد خویش می پرداختند. اما این وضعیت با شکست کشورهای که صرفا معیارهای اقتصادی را در برنامه ریزی خود در دستیابی به توسعه گنجانده بودند تغییر یافت، و موجب از دست رفتن مفهوم یک بعدی توسعه شد. اکنون مشخص شده است که مبنای هرنوع توسعه، توسعه فرهنگی است و از آنجا که دغدغه اصلی دولت ها رسیدن به توسعه همه جانبه است و از آن جاییکه مبنای این توسعه انسان ( موجودی فرهنگی ) می باشد، زیربنای توسعه حقیقی و پایدار توسعه فرهنگی می خواهد و لازم است تلاش و کوشش فراوان شود که در ارتقاء سطح فرهنگ جامعه کوشا بوده و تلاش مضاعف به کار بندیم. مقدمه: وقتی سخن از توسعه در یک



رو، نیروهای امنیتی خود را از حالت دفاعی به حالت تعرضی در می آورد. با این حال، معلوم نیست که حکومت افغانستان اراده سیاسی برای سرکوب گروه های مخالف مسلح دولت را دارد و یا خیر. در سال های گذشته، انتقاد جدی همین مسئله بوده است. از طرف دیگر، نهاد های امنیتی کشور تا چه اندازه ظرفیت سرکوب گروه های مخالف مسلح دولت را دارد. معلوم نیست. در سال ۲۰۱۵ اگر چه چند فروند چرخ بال از هند و ایالات متحده آمریکا دریافت نموده است اما با توجه فرسودگی دیگر هواپیماهای جنگی و سقوط آن ها به نظر می رسد که نیروهای امنیتی کشور قادر به سرکوب شدید گروه های مخالف مسلح دولت نباشد. زیرا، بدون حمایت نیروهای هوایی کشور جنگ زمینی برای نیروهای امنیتی کشور سخت و دشوار خواهد بود. جامعه جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا به گفتگو صلح خوشبین است. آن ها به نوعی جنگ با گروه طالبان را پایان داده است. آن ها از اول حضور خود در افغانستان تا کنون اهداف خود را از بین بردن و مورد پیگرد قرار دادن اعضای شبکه القاعده خوانده است. اینکه ایالات

نموده است. اکنون اگر، گروه طالبان نسبت به دعوت دو کشور واکنش نشان ندهد، دو واکنش متفاوت از حکومت افغانستان و پاکستان شاهد خواهیم بود. حکومت افغانستان به احتمال زیاد سخن از صداقت پاکستان به میان خواهد آورد. به دیگر سخن، حکومت افغانستان خواهد گفت که حکومت پاکستان به صورت قاطع و صادقانه از گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان نخواسته است تا به واکنش نشان ندادن گروه طالبان به دعوت حکومت افغانستان و پاکستان و انجام حملات انتحاری در کابل و کنر و درگیری ولایت فراه بیانگر تمایل این گروه به ادامه جنگ نیست؟

رو زوهای بعدی اگر گروه طالبان نسبت به دعوت حکومت افغانستان و پاکستان واکنش نشان ندهد و نماینده رسمی خود را معرفی و به اسلام آباد نفرستد بازی به نفع پاکستان تمام می شود. زیرا، در طول سال های گذشته، چه در دوران حامد کرزی و چه در دوران حکومت وحدت ملی مقامات کابل حکومت پاکستان را منتهم به حمایت از گروه طالبان و دیگر گروه های مخالف مسلح دولت نموده است. در طرف دیگر، حکومت پاکستان بارها ادعای حکومت افغانستان را

## توسعه فرهنگی چیست؟

گرد آورنده: موسی رامشک/ قسمت اول



پول حیات خویش می آموزند. فلسفه وجود تعلیم و تربیت در جامعه انسانی بر اساس همین ویژگی است. فرهنگ افراد یک جامعه را قادر می سازد به پیش بینی رفتار یکدیگر مسمی کند به طوریکه افراد می توانند برحسب رفتار و گفتار خود، واکنش های دیگران را از پیش تشخیص دهند و بدانند که برای دریافت واکنش مطلوب چه رفتار و گفتاری باید داشته باشند. اهمیت توسعه فرهنگی با توجه به تعاریف مطرح شده فرهنگ سیاستگذاری و برنامه ریزی و طراحی اقدامات و فعالیتها در حوزه مدیریت فرهنگی می باید همواره بعد زبرین فرهنگ را مورد توجه قرار دهد. زیرا هرگونه برنامه ریزی در این حوزه بدون توجه به معنوی فرهنگ اثربخش نخواهد بود. از سوی دیگر اثرات ابعاد معنوی فرهنگ از طریق محصولات، آثار، فعالیتها و مصرف فرهنگی در قالب سطح مشهود آن می توان مورد ارزیابی قرار داد. بنابراین برای بهبود آثار سیاست ها و اقدامات فرهنگی توجه متعادل به هر دو بعد فرهنگ الزامی است. علاوه بر این هرگونه برنامه ریزی در حوزه فرهنگ باید به کمال رسیدن استعدادها و شایستگیهای انسان در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار دهد. از این حیث می باید میان برنامه ریزی فرهنگی و برنامه ریزی در حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارتباطی زنده و بویا طراحی نمود تا از مجرای آن امکان استفاده از ظرفیت های متقابل در راستای توسعه همه جانبه جامعه و کشور فراهم شود. این امر نشان می دهد اولاً برنامه ریزی در حوزه فرهنگ

فرهنگی تأثیر داشته باشند و در برنامه ریزی های بلند مدت مورد توجه قرار می گیرند شرح نماید و به سؤال یکی که در این مقاله همان توسعه فرهنگی چیست و دارای چه مؤلفه هایی می باشد؟ را پاسخ می دهد. تعریف و ویژگی های فرهنگی - مفهوم فرهنگ نخستین بار توسط مردم شناس انگلیسی، سرادادوارت بارنت در سال ۱۸۷۱ به کار رفت. وی فرهنگ را مجموعه ای پیچیده میدانند شامل: دانش ها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق، آداب و رسوم و دیگر قابلیت ها و عادت هایی که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را فرا می گیرد به تعبیر دیگر فرهنگ عبارتست از نظام مشتری از باورها، ارزشها، رسم ها، رفتارها و موضوعاتی که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهانشان و در رابطه با یکدیگر به کار می برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهند. فرهنگ دارای دو عنصر مادی و غیر مادی است که ویژگیهای به شرح ذیل دارد: فرهنگ ها و جوامع در سطح بسیار وسیعی ناهمگون هستند. این حالت بویژه زمانی بیشتر مشهود است که هویتها ملی وسیعی به عنوان جایگزینهایی برای فرهنگ ذکر می شوند. فرهنگ، عاملی است که با زمان، جغرافیا، تاریخ، مذهب، طبقه اجتماعی، نژاد، شهرنشینی، روستائینشی، ملیت و مقولات بسیار دیگری در هم می آمیزد. فرهنگ ها از طریق مسافرت، تجارت و وسایل ارتباط جمعی، گروههای تبلیغی و دیگر منابع تغییر و توسعه می یابند. فرهنگ غربی نیست بلکه آموختنی است. به عبارت دیگر فرهنگ از عادات و تجربیاتی تشکیل می شود که افراد در

جامعه به میان آورده می شود، منظور فراگیری آن توسط تمام آحاد یک جامعه است، توسعه مقوله ای کیفی، جامع، چندبعدی، انسانی و اجتماعی است که از گذر نوسازی یعنی تغییرات اجتماعی در ایستارها و ساختارهای ( اقتصادی - اجتماعی - سیاسی ) و بار او در یک جامعه ناشی می شود. ( اسدیور، ۱۳۸۷، ص ۵ ) به تعبیر آقای دکتر سیف الهی و با توجه به تعریف توسعه می توان گفت که توسعه در فرایند تلاش انسان برای ایجاد تعادل بین نیازها و خواسته های وی و امکانات بالفعل و بالقوه در جامعه و محیط زیست پدید می آید. ( سیف الهی، ۱۳۸۱، ص ۵۵ ) جامعه انسانی در برگیرنده انسانها و میراث بشری است. تعامل انسانها فرهنگ را در محیط پدید می آورد. حقیقت این است که توسعه در یک جامعه بشری رخ داده است. جهان در چند قرنهای اخیر بزرگ دیگری به نام انقلاب اطلاعات رسائی قرار دارد که تأثیر آن بر ابعاد مختلف فرهنگی چند برابر می شود و نیاز است که تمامی جوامع همگام با رشد و گسترش علم، فرهنگ جامعه خود را ارتقاء دهند و به توسعه همه جانبه برسند. و از طرف دیگر توسعه کشور ها از طریق اطلاع رسانی می تواند برای بیان فرهنگ ها و اندیشه ها به کار گرفته شود. با توجه به اینکه مقوله فرهنگ در توسعه کشورها یکی از حوزه های مهم است در این مقاله نگارنده سعی می کند مقوله هایی را زمینه ساز توسعه بوده و می تواند در توسعه

گستره بیشتری را در مقایسه با یکدیگر حوزه ها در بر می گیرد. ثانیا برای برنامه ریزی در حوزه فرهنگ، گستره بیشتری را در مقایسه با دیگر حوزه ها در بر می گیرد. ثالثا در طراحی برنامه ها و اقدامات مرتبط با سطح شهود فرهنگ همواره باید این تعاملات در نظر گرفته شود. فرهنگ، ابزار و غایت توسعه؟! برخی دیگر از نظریه پردازان و برنامه ریزان توسعه جهان به این نتیجه رسیدند که شاخص های مادی پیشرفت به هیچ روی امکان ارزیابی درجه آسایش و شکوفائی انسان ها را نمی دهد و باید علاوه بر آن ها معیارهای دیگری ابداع کرد. معیارهایی همچون مفهوم توسعه انسانی که ملاحظه های دیگری را به مانند ارزش های والای انسانی و اهدافی که در جوششی اجتماعی و فرهنگی به زندگی انسان ها معنا بخشد، پیش می کشد. پرداختن به این موضوع نیاز به نگاهی ژرف تر و تأملی افزون تر دارد. اگر بپذیریم که انسان ها از آن روی بر کالاها و خدمات ( حتی نوعی اجتماعی و فرهنگی به آن ارزش قابل هستند که کالاها و خدمات به آنان امکان می دهد تا آن طور که می خواهند زندگی کنند، این امر به ناگزیر به فرهنگ و اوضاع اجتماعی شان بر می گردد. به بیان دیگر، ما با چنین روندی به نقش کارکردی فرهنگ بی می بریم. بنابر این گرچه فرهنگ کارکردی ابزاری در توسعه دارد، اما کارکردش به همین جا ختم نمی شود. افزون بر این فرهنگ الهام بخش هدف هایی است که به زندگی مان معنا می بخشد. این ماهیت دوگانه فرهنگ نه تنها موجب رشد اقتصادی می شود، بلکه به هدف های دیگری همچون حفظ انسجام اجتماعی در عین تکرر فرهنگی و ارتقای رزش های انسانی و معنوی بدون قربانی کردن بخشی از ارزش ها و ظرفیت های انسانی و تقویت نهادهای جامعه مدنی باری می رساند. فرهنگ در بسیاری از موارد نه تنها راه رسیدن به اهداف دیگر توسعه است، حتی مهمتر از آن، بنیاد هویتی و معنایی تمامی آرزوها و اهداف زندگی نیز هست (دکوتیار، ۲۰۱۶: ۴-۵). زیرا فرهنگ است که تعیین می کند اعضای آن فرهنگ را، رابطه شان را با محیط و مردم درون و بیرون فرهنگ شان چگونه تنظیم و حفظ کنند. فرهنگ است که معین می سازد، چگونه اطلاعات دریافتی از محیط، روش تفسیر و روش مورد استفاده آن را درک کرده و به کار بریم. به عبارت دقیق تر، فرهنگ واقیعات را برآمنان معنا می کند ( تری یاندیس، ۱۳۷۸: ۴۴ و ۴۷ ) این عوامل اجتماعی و فرهنگی در جوامع روستایی و سنتی همواره تأثیر گذارترند و جوامع روستایی و عشائری در مقابل تغییرات و به ویژه تغییراتی که از بیرون به محیط شان وارد شد، مقاومت بیشتری نشان می دهند.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کارکنان: خالق علی زاده  
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهر ک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷